در گردن هیچ شتری قلاده‌ای از زه [کمان] یا [هر] قلاده [دیگری] نباشد مگر آنکه بریده شود

از ابوبشیر انصاری ـ رضی الله عنه ـ روایت است که: وی در یکی از سفرهای پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ با ایشان بود، پس درحالی‌که مردم برای شب اتراق کرده بودند، رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرستاده‌ای را نزد آنان فرستاد و فرمود: «لَا يَبْقَيَنَّ فِي رَقَبَةِ بَعِيرٍ قِلَادَةٌ مِنْ وَتَرٍ أَوْ قِلَادَةٌ إِلَّا قُطِعَتْ»: «در گردن هیچ شتری قلاده‌ای از زه [کمان] یا [هر] قلاده [دیگری] نباشد مگر آنکه بریده شود».

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در یکی از سفرهایش بود و مردم در محل خواب‌شان در میان وسایل و در خیمه‌های‌شان بودند که شخصی را به سوی مردم فرستاد تا آنان را امر کند که قلاده‌هایی را که بر گردن شتران آویزان کرده‌اند، چه از زه - یعنی زه کمان - یا چیزهای دیگری مانند زنگوله یا نعل است باز کنند، زیرا آنان از ترس چشم زخم این چیزها را به حیوانات خود آویزان می‌کردند؛ بنابراین امر شدند که آنها را قطع کنند زیرا چیزی را از آنان دفع نمی‌کند و سود و زیان همه به دست الله است و در این باره شریکی ندارد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6761